

## بررسی عوامل انسجامی در دو سوره نمل و فجر در مقایسه با ترجمه فارسی

زینب محمد ابراهیمی\*

لیلا پاینده\*\*

### چکیده

این مقاله با تکیه بر اصول سخن‌کاوی (*Discourse Analysis*) و با استفاده از آرای هلیدی (۲۰۰۴) و هلیدی و حسن (Halliday and Hassan, 1976) به بررسی عوامل انسجامی (*Cohesive ties*) در دو سوره نمل و فجر در قرآن مجید می‌پردازد و از آنجاکه در ترجمه این کتاب آسمانی، بافتار (*Texture*) و نظام متنی از اهمیت خاصی برخوردار است، به مقایسه و بررسی این عوامل در ترجمه فارسی آنها می‌پردازد. پس از بررسی و مقایسه عوامل انسجامی، نتایج ذیل به دست آمد: ۱. عوامل انسجامی موجود

\* استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

\*\* کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور.

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۲ تاریخ تأیید: ۹۱/۳/۱۰

در متن سوره‌ها، با عوامل انسجامی موجود در ترجمه، مطابقت کامل ندارند. کاربرد انواع گره‌های انسجامی در سوره نمل ۲۵/۰۹٪ و ترجمه فارسی آن ۳۴/۴۹٪ و کاربرد عوامل انسجامی در سوره فجر ۴۰/۱۹٪ و در ترجمه فارسی آن ۳۹/۱٪ است. ۲. عوامل انسجامی ارجاع در متن دو سوره و ترجمه آنها بیشترین کاربرد را دارد.

**واژگان کلیدی:** تجزیه و تحلیل کلام، انسجام، گره‌های انسجامی، زیان‌شناسی متن، قرآن مجید.

### ۱. مقدمه

سال‌هاست که دانشمندان اسلامی و ایرانی به مطالعه و پژوهش در خصوص قرآن مجید به عنوان کلام وحی الهی پرداخته‌اند. امروزه زبان‌شناسان و دانشمندان علوم قرآنی اثبات کرده‌اند که دستیابی به مفاهیم و معانی دقیق قرآنی، مستلزم توجه به نظام ارتباطی کل قرآن و کشف تمام روابط داخلی که متن قرآن را تشکیل می‌دهند، می‌باشد. این روابط معنایی که امکان‌اتی برای پیوستن اجزای متن (Text) به یکدیگر و فصل ممیز متن از غیر متن است، همان انسجام متن می‌باشد.

توجه به بافتار و نظام متنی در ترجمه متون مذهبی بالاخص قرآن، بسیار اهمیت دارد و کوچک‌ترین تغییر در این عناصر، به تحریف پیام و دخالت در محتوای آشکار آن منجر می‌گردد و همچنین باعث تغییر در تأثیر ادراکی این متون می‌شود. ما بر این باوریم که متن قرآن دارای انسجام است؛ بنابراین درک صحیح ارتباطات موجود بین قسمت‌های مختلف متن قرآن و مطالعه این ارتباط در ترجمه فارسی، به درک بیشتر و صحیح‌تر آن می‌انجامد.

بنابراین این پژوهش با تکیه بر آرای هلیدی و حسن در خصوص انسجام متن (۱۹۷۶) با یافتن عوامل انسجامی موجود در متن قرآن در دو سوره نمل و فجر و مقایسه این گره‌ها با ترجمه فارسی آنها (ترجمه الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۹) بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که عوامل انسجامی موجود در سوره‌های نمل و فجر، با عوامل موجود در ترجمه فارسی آنها چه تفاوت‌های دارند؟ روش تحلیل داده‌ها، توصیفی و تحلیلی است. به عبارت دیگر،

برای تجزیه و تحلیل آیات دو سوره و معانی آنها از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود که در آن، محتوای آشکار پیام‌ها به طور کمی و نظام‌دار توصیف می‌گردند. جامعه آماری تحقیق تمامی آیات دو سوره نمل و فجر به همراه ترجمه آنها می‌باشد.

## ۲. محدودیت‌های تحقیق و پیشینه پژوهش

قرآن کلام وحی و معجزه الهی است و دستیابی به مفاهیم عمیق قرآن و ارتباطات کلامی و نحوی و لغات و آیات، نیازمند موشکافی‌های دقیق علمی است که از سطح تحریر این پژوهش فراتر می‌رود. از طرف دیگر، مجهز بودن زبان قرآن-عربی به امکاناتی چون اعراب و بنا و حروف عامل که زبان انگلیسی و حتی فارسی نیز از آن بی‌بهره است، روابط و گره‌هایی از کلمات و معانی به وجود می‌آورد که الگوی معرفی شده توسط هلیدی و حسن در توصیف آنها عاجز است. مسئله دیگر، انواع ترجمه‌های قرآنی می‌باشد که به صورت تحت‌اللفظی، معادل، محتوای (معنایی) آزاد و تفسیری و ساختاری (ارتباطی) ارائه شده‌اند. اینکه کدام‌یک از این انواع ترجمه در نمایاندن عوامل انسجامی و میزان کاربردشان مطابق با متن قرآن موفق‌ترند، نیاز به تحقیق بسیار گسترده‌تر دارد.

در مورد انسجام در زبان فارسی، منابعی موجود است؛ از جمله *انوری و احمدی گویی* (۱۳۷۳)، *رادمنش* (۱۳۸۶)، *لطفی پورساعدی* (۱۳۷۱) و *محمد/ابراهیمی* (۱۳۷۵) که در این آثار روابط انسجامی یا انسجام به صورت عمده در پیکره‌های فارسی (متون نوشتاری یا ادبی و غیره) بررسی شده است. در خصوص بررسی‌های قرآنی با توجه به دستور نقش‌گرا می‌توان به آثاری چون *قیطوری* (۱۳۸۲) که از منظر نشانه‌شناختی به بررسی قرآن کریم پرداخته است و *یا لطفی* (۱۳۸۲) که به نحوه پیوستگی متن سوره‌های قرآنی پرداخته و نیز *کریمی فیروزجانی* (۱۳۷۷) که انسجام واژگانی در قرآن را مد نظر قرار داده است، اشاره نمود. پرداختن به روابط انسجامی در سوره‌های قرآنی و مقایسه آن با ترجمه فارسی به زعم نگارندگان این مقاله نخستین گام‌هایی است که در این راستا برداشته می‌شود. برای انجام این کار از برگزیده *تفسیر نمونه* آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۷۶، ج ۳ و ج ۵) نیز استفاده شده است.

### ۳. بحث و بررسی

ساختار نظری این تحقیق در حوزه گفتمان و زبان‌شناسی متن (Text Linguistics) و بر اساس آرای هلیدی و حسن در خصوص انسجام متن می‌باشد که در این قسمت معرفی می‌گردند.

#### ۳-۱. گفتمان و تجزیه و تحلیل کلام

نقش‌گرایان معتقدند زبان، وسیله ارتباط میان انسان‌هاست و مطالعه و توصیف آن، باید صور اشکال زبانی را دربارهٔ ایفای این نقش ارتباطی بررسی کند. شاخه‌ای از زبان‌شناسی که در این رابطه ظهور کرده، به سخن‌کاوی یا تحلیل گفتمان معروف است. آنچه در تحلیل گفتمان اهمیت دارد، بررسی کاربرد زبان - چه در صورت گفتاری و چه در صورت نوشتاری - است. در این بررسی‌ها، واحد زبان فراتر از کلمه و جمله، یعنی متن و کلام است. از جمله آثار مطرح در این زمینه عبارتند از (Halliday (2004، Hoovers (1997)، (Jhonstone (2008، Richards (2002 و Thompson (1996. اما هلیدی در چهارچوب نظریات نقش‌گرا از پیش‌تازان این نحله محسوب می‌شود. لذا اساس این تحقیق بر پایه بنیان‌های نظری اوست.

هلیدی (۲۰۰۴) متن را واحد زبانی می‌داند که دارای تمامیت معنایی است - و می‌تواند گفتاری یا نوشتاری باشد. وی اظهار می‌دارد که مشخصه اولیه‌ای که تعیین می‌کند، یک‌سری از جملات تشکیل متن می‌دهند یا نه؟ بستگی به روابط انسجامی دارد که در میان جملات وجود دارد. این روابط انسجامی، باعث خلق بافتار می‌شوند. بافتار، اساسی برای یکپارچگی و همبستگی معنایی در متن است و متن بدون بافتار، فقط گروهی از جملات منفرد و بدون ارتباط با یکدیگر است. البته بافتار به چیزی بیشتر از حضور روابط معنایی انسجام نیاز دارد و باید از پیوند در معانی حقیقی نیز برخوردار باشد.

#### ۳-۲. گره‌های انسجامی

انسجام یک مفهوم معنایی است و در جایی رخ می‌دهد که تعبیر و تفسیر عنصری در کلام

بستگی به تعبیر و تفسیر عنصر دیگری داشته باشد؛ برای مثال در این جمله برای تعبیر کلمه **Them**، باید به جمله قبلی مراجعه کرد:

Wash and core six cooking apples. Put them in to a fireproof dish.

انسجام تا حدودی، به وسیله دستور و تا اندازه‌ای از طریق واژه بیان می‌شود. بنابراین انسجام به دو صورت دیده می‌شود:

الف) انسجام دستوری شامل: ارجاع (Reference)، جانشینی (Substitution) و حذف (ellipsis)؛

ب) انسجام واژگانی (Lexical cohesion) شامل: تکرار (Reiteration) و باهم‌آیی (Collocation).

البته گره انسجام دیگری به نام پیوند در مرز میان این دو گره قرار دارد. این نوع تقسیم‌بندی از انسجام به صورت دستوری و واژگانی، بدان معنا نیست که انسجام، رابطه‌ای صرفاً صوری است و معنا در آن، نقشی ندارد. انسجام، رابطه معنایی است و مانند دیگر مولفه‌های معنایی در سیستم واژگانی - دستوری مصداق پیدا می‌کند.

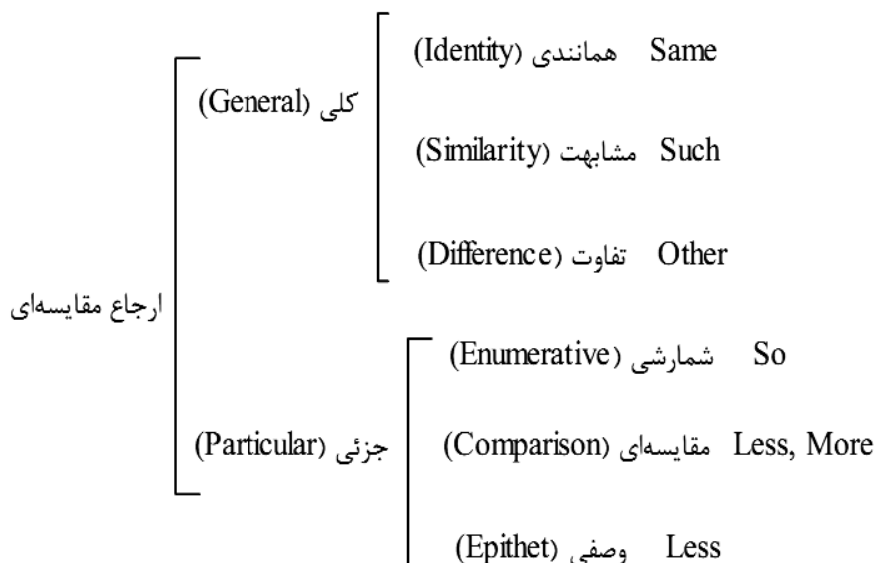
اصطلاح گره به روابط موجود بین یک عنصر و مرجعش اشاره دارد. هر قطعه از متن را می‌توان بر حسب تعداد و نوع گره‌های مشخص کرد. مفهوم گره باعث شده است تا تجزیه و تحلیل متن بر حسب ویژگی‌های انسجامی و شرح و تفسیر نظام الگوهای بافتاری متن، امکان‌پذیر باشد.

### ۱-۲-۳. ارجاع

عناصری که به لحاظ معنایی به جای آنکه خودشان قابل تعبیر باشند، برای تعبیرشان باید به چیز دیگری مراجعه کرد، عناصر ارجاعی هستند و در زبان انگلیسی به شخصی (Personal)، اشاره‌ای (Demonstrative) و مقایسه‌ای (Comparative) تقسیم می‌شوند.

ارجاع شخصی، شامل ضمائر شخصی، صفات ملکی، ضمائر ملکی و صورت‌های تعمیمی One و Ones می‌باشد. هلیدی و حسن (Halliday & Hassan 1976: p.60) کلماتی چون There و Here و Now و Then که زمان و مکان را نشان می‌دهند و The و

These و Those و That و This را که به موقعیت چیزی در فرآیند اشاره دارند، ارجاع اشاره‌ای نامیده‌اند. آنها ارجاع مقایسه‌ای را بدین صورت طبقه‌بندی کرده‌اند (Ibid: p96):



در آیات زیر، عناصر مشخص شده ارجاعی‌اند:

«فَادْخَلِي فِي عِبَادِي»: در صف بندگان «من» در آری (فجر: ۲۹).

«فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ»: چون آیات ما در حالی که بیناکننده بود، آنها را آمد، گفتند این، سحری روشن است.

### ۳-۲-۲. جانشینی

برای جلوگیری از تکرار، عنصر ویژه‌ای در متن به کار می‌رود و در انگلیسی به سه صورت رخ می‌دهد:

۱. جانشینی اسمی (Nominal: One-Same)، ۲. جانشینی فعلی (Verbal: Do)، ۳.

جانشینی بندی (Clausal: So-Not). مثال: Has Barbara left? I think so.

### ۳-۲-۳ حذف

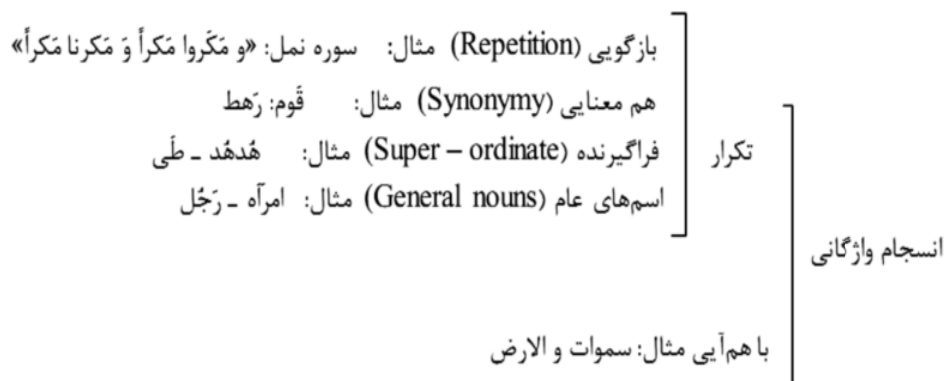
در حذف، به جای تکرار یک سازه نحوی، صفر جایگزین می‌شود و برای تعبیر عنصری که حذف شده، باید به بخش‌های دیگر متن مراجعه کرد. هلیدی و حسن (Halliday & Hassan 1976: p.144) حذف نیز به سه نوع صورت می‌گیرد:  
 ۱. حذف اسمی، ۲. حذف فعلی، ۳. حذف بندی.

### ۳-۲-۴ پیوند

هلیدی و حسن پیوندها را در چهار مقوله تقسیم‌بندی کرده‌اند:  
 الف) افزایشی (Additive: And)، ب) تباینی (Adversative: Yet)، ج) علیّی (Clausal: So)، د) زمانی (Temporal: Then).

### ۳-۲-۵ انسجام واژگانی

هلیدی و حسن (Ibid, pp.274-76) این انسجام را به دو گروه کلی تقسیم می‌کنند:  
 الف) تکرار، ب) باهم‌آیی.  
 آنها نمودار زیر را در این ارتباط ارائه داده‌اند.



#### ۴. تحلیل داده‌ها: الگوی تجزیه و تحلیل انسجام

گره‌های انسجامی و انواع آنان، بر اساس طرح هلییدی و حسن رمزگذاری می‌گردند. آنها بر اساس طرحی قراردادی به رمزگذاری عناصر انسجامی می‌پردازند. بدین صورت که برای هر عنصر انسجامی، نخستین حرف آن را رمز می‌گیرند:

R= reference    L= lexical    s= substitution    c= conjunction    E= ellipsis

در این پژوهش برای رمزگذاری گره‌ها، از حروف اختصاری فارسی استفاده شده است.

جدول ۱: نامگذاری انواع گره‌ها را نشان می‌دهد.

نوع انسجام	رمز کد	نوع انسجام	رمز کد
ارجاع	ا.	واژگانی	و
ا. شخصی	ا.ش	واژگانی تکرار	و.ت
ا. اشاره‌ای	ا.ا	و. تضاد	و.تض
ا. معرفه‌ای	ا.مع	و. هم معنایی	و.هم
ا. مقایسه‌ای	ا.مق	و. شمول معنایی	و.ش
ا. موصولی	ا.مو	و.هم آبی	و.ه
حذف	ح	پیوند	پ
ح. اسمی	ح.ا	پیوند افزایشی	پا
ح. فعلی	ح.ف	پیوند تباینی (تقابلی)	پت
ح. بندی	ح.ب	پیوند علی	پع
—	—	پیوند زمانی	پز
جایگزینی	ج	—	—
ج. اسمی	ج.ا	—	—



—	—	ج.ف	ج. فعلی
—	—	ج.ب	ج. بندی

پس از یافتن گره‌های انسجامی در هر آیه، نوع و پیش‌انگاره (مرجع) و تعداد آنها مشخص می‌شود و در جدول مخصوص آن آیه یادداشت می‌گردند و در مقابل آن نوع، مرجع و تعداد گره موجود در ترجمه فارسی نوشته می‌شوند. این روند برای تمامی آیات دو سوره صورت می‌گیرد. سپس مجموع انواع گره‌های موجود در سوره نمل و فجر و ترجمه آنها مشخص و در جدول یادداشت می‌شوند.

با توجه به جدول‌ها نمودارهایی برای انواع گره‌های موجود در آیات و ترجمه فارسی ترسیم می‌گردند و از این طریق گره‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در اینجا برای نمونه آیه ۷ سوره نمل بررسی می‌شود:

«إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لَأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا بَخْبَرٍ وَأَتِيكُمْ بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ»: به یاد آر هنگامی که موسی به اهل بیتش گفت مرا آتشی به نظر آمد، می‌روم تا از آن به‌زودی خبری بیاورم یا شاد برای گرم‌شدن شما شعله‌ای برگیرم.

جدول ۲: آیه شماره ۷

فارسی			عربی		
پیش‌انگاره	نوع	عنصر	پیش‌انگاره	نوع	عنصر انسجامی
آیه قبل	پ.ز	هنگامی که	آیه قبل	پ.ز	اذ
اهل بیت	ا.ش	ش	اهل	ا.ش	- و
موسی	ا.ش	مرا	موسی	ا.ش	- ی
—	—	—	موسی	ا.ش	- ت
موسی	ح.ا (۳×)، ا.ش (۳×)	Δ می‌روم Δ بیاوریم، Δ برگیرم	انا، (موسی)	ح.ا، ا.ش	○ اتی (۲×)
اهل بیت	ا.ش	شما	اهل	ا.ش	(۳×) - کم
آتش	ا.ا	آن	نارا	ا.ش	- ها
جمله	پ.ا	یا	جمله قبل	پ.ا	أو

—	—	—	اهل	اش	- ون
—	—	—	همین آیه	وت	اتی
شعله	وه و.ش	آتش	نارا	(قبس) وه	شهاب قبس
—	—	—	جمله قبل	پا	إِنَّ
—	—	—	آیه ۵	وت	إِنَّ
	پع	شاید	—	پع	لَعَلَّ
جمله بعد	پع	تا	—	—	—
برون متنی	ح.ا	○ بیاد آر	برون متنی	ح.ب	—
آتش	وه	گرم شدن	ناراً	وه	تصطلون

جدول ۳: مقایسه آیه و ترجمه فارسی

انسجام واژگانی						ارجاع					
و.و	و.ت	و.ه	و.ه	و.و	و.و	ا.م	ا.م	ا.ا	ا.م	ا.ا	ش
—	—	۲	—	—	۲	—	—	—	—	—	۱
—	—	۲	—	—	—	—	—	۱	—	—	۶

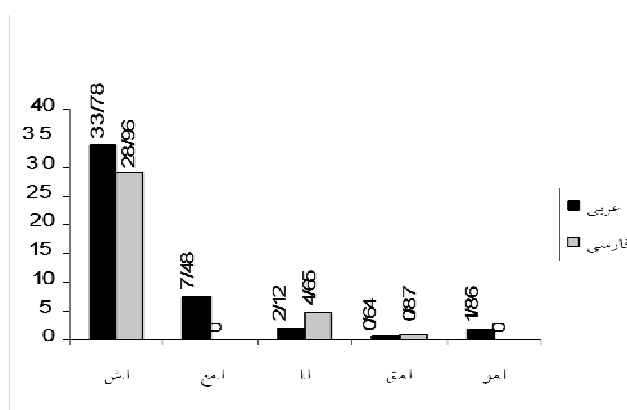
جدول ۴: انواع انسجام

مجموع	جانشینی			حذف			پیوند			
	ج.ب	ج.ف	ج.ا	ح.ب	ح.ف	ح.ا	پ.ت	پ.ع	پ.ز	پ.ا
۲۱	—	—	—	۱	—	۲	—	۱	۱	۲
۱۷	—	—	—	—	—	۴	—	۲	۱	۱

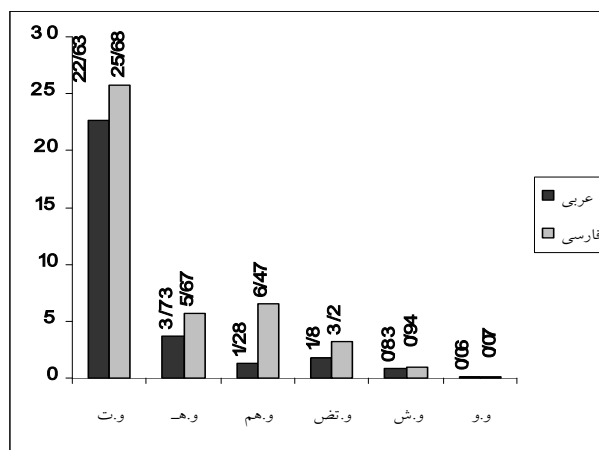
با توجه به جدول‌های فوق، تفاوت‌های زیر بین گره‌های انسجامی موجود این آیه و ترجمه فارسی موجود است.

۱. مجموع گره‌های آیه ۲۱ گره، ولی مجموع گره‌های ترجمه ۱۶ مورد می‌باشد.
  ۲. در ابتدای ترجمه، با توجه به آیات قبل، کلمه «به یاد آر» اضافه شده که در آیه وجود ندارد. پس حذف بندی صورت گرفته است، ولی در کلمه «به یاد آر» حذف اسمی داریم.
  ۳. در «آنست»، «ت» ضمیر متصل و ارجاع شخصی، ولی در به نظر آمد (معادل فارسی آن) به دلیل آنکه شناسه در سوم شخص مفرد ماضی، وجود ندارد، گره ارجاع موجود نیست. همچنین در «تَصْطَلُونَ» - واو ضمیر متصل و ارجاع شخصی است، ولی در معادل فارسی، این گره وجود ندارد.
  ۴. در کلمه «اِنِّی» اِنْ در آیه قبل نیز ذکر شده است و گره انسجام واژگانی همچنین پیوند به وجود آمده، در حالی که در ترجمه فارسی معادلی برای این کلمه ذکر نشده است.
  ۵. ضمیر متصل «کُم» در این آیه سه ارجاع شخصی ایجاد نموده است؛ در حالی که در ترجمه فقط یکبار «به شما» ترجمه شده است.
  ۶. تکرار «اَتِی» انسجام واژگانی از نوع تکرار به وجود آورده است؛ ولی در ترجمه به «می‌روم و بیاورم» گره تکرار وجود ندارد. ولی به علت وجود شناسه -م- دو گره ارجاع شخصی ایجاد شده است.
  ۷. «سَاتِیْکُمْ مِنْهَا بِخَبْرٍ» به «می‌روم تا از آن خبری بیاورم» ترجمه شده است و حرف ربط «تا» در ترجمه اضافه شده است و گره پیوند علی به وجود آورده است.
- بدین ترتیب، تمامی آیات دو سوره همراه با ترجمه فارسی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرند و نوع و شمار گره‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند و تفاوت‌ها مشخص می‌گردند. نمودارهای زیر تفاوت‌های آیات و ترجمه را از لحاظ نوع و تعداد گره‌ها نمایان می‌سازد.

نمودار ۱: مقایسه درصد گره ارجاع در سوره نمل و ترجمه آن

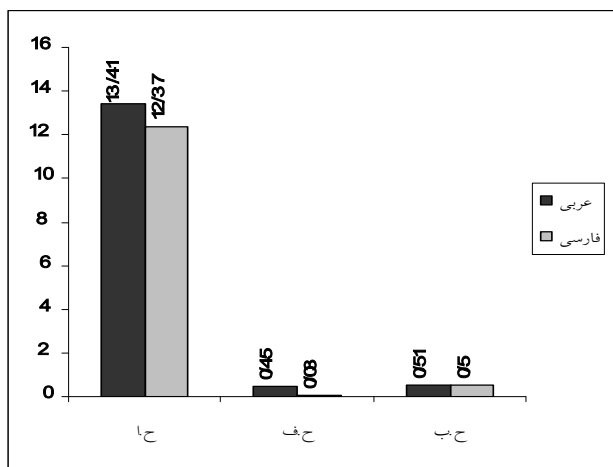


همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، از بین گره‌های ارجاع، ارجاع شخصی هم در آیات سوره نمل و هم در ترجمه، بالاترین میزان استفاده را دارد. ارجاع معرفه‌ای و ارجاع موصولی که برای اسامی معرفه با «ال» و اسم موصول در نظر گرفته شده است، در فارسی وجود ندارد و درصد استفاده از گره‌های ارجاع شخصی، ارجاع اشاره‌ای در آیات، بیشتر از ترجمه فارسی است؛ ولی گره ارجاع مقایسه‌ای در فارسی بیشتر استفاده شده است. نمودار ۲: مقایسه درصد گره انسجام وازگانی در سوره نمل و ترجمه آن



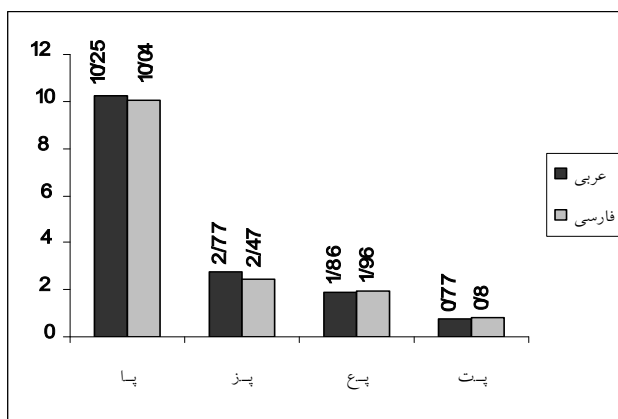
در ترجمه سوره نمل، میزان استفاده از گره انسجام واژگانی در مقایسه با گره‌های معادل موجود در آیات بیشتر است و از میان آنها گره تکرار بیشترین بسامد وقوع را دارد. گره انسجامی واژه عام کمترین استفاده را (۰ درصد) در آیات و ترجمه داراست.

نمودار ۳: مقایسه درصد گره انسجام پیوند در سوره نمل و ترجمه آن



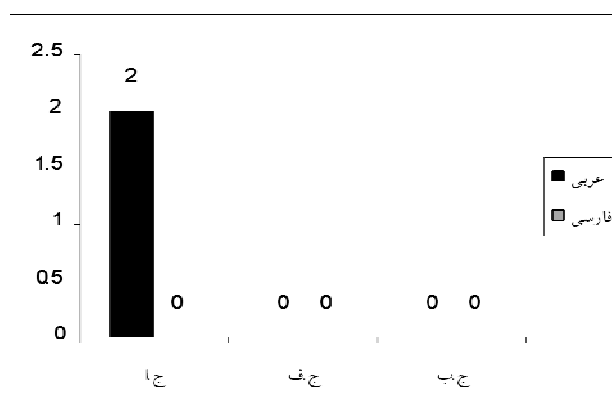
از بین گره‌های انسجامی پیوند، پیوند افزایشی هم در آیات سوره نمل و هم در ترجمه بالاترین میزان استفاده و پیوند تباینی کمترین میزان استفاده را دارد. تفاوت بین میزان استفاده از گره‌های پیوند در آیات و ترجمه تقریباً ناچیز و جزئی است.

نمودار ۴: مقایسه درصد گره انسجام حذف در سوره نمل و ترجمه آن



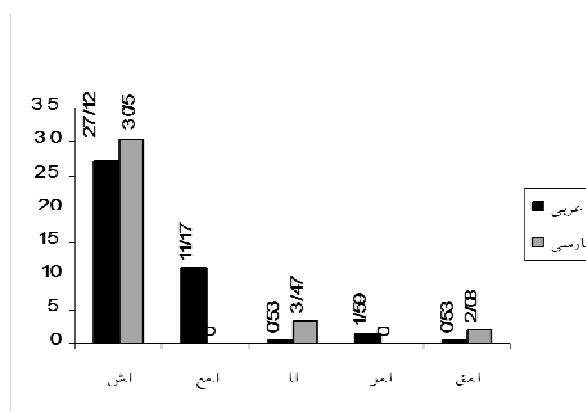
از میان گره‌های انسجامی حذف در آیات سوره نمل و ترجمه آنها، حذف اسمی، بیشترین کاربرد و حذف فعلی، کمترین کاربرد را دارد.

نمودار ۵: مقایسه درصد گره انسجامی جانشینی در سوره نمل و ترجمه آن



از میان گره‌های جانشینی، گره جانشینی اسمی در سوره نمل و ترجمه آن استفاده شده است و جانشینی فعلی و بندی در آنها یافت نمی‌شود.

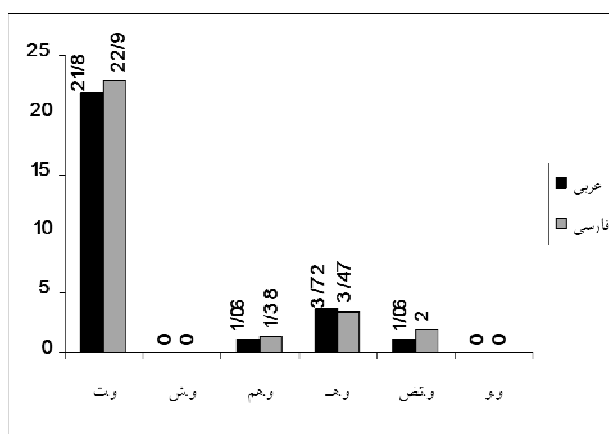
نمودار ۶: مقایسه درصد گره ارجاع در سوره فجر و ترجمه آن



از میان گره‌های ارجاع در سوره فجر و ترجمه آن، گره ارجاع شخصی، بیشترین

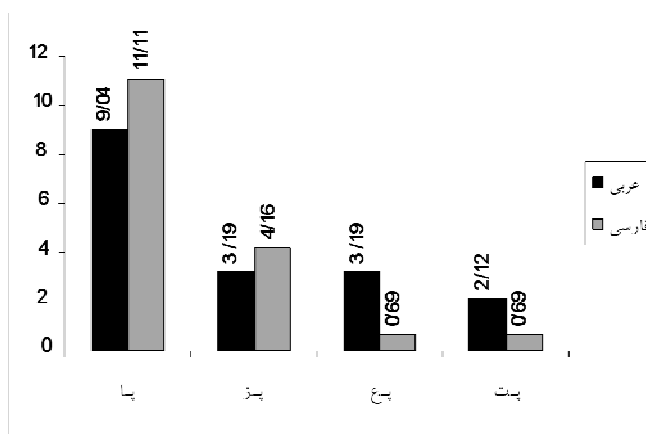
استفاده را دارد. میزان استفاده گره ارجاع شخصی و اشاره‌ای و مقایسه‌ای در ترجمه فارسی از گره‌های معادل در آیات بیشتر است.

نمودار ۷: مقایسه درصد گره انسجام واژگانی در سوره فجر و ترجمه آن



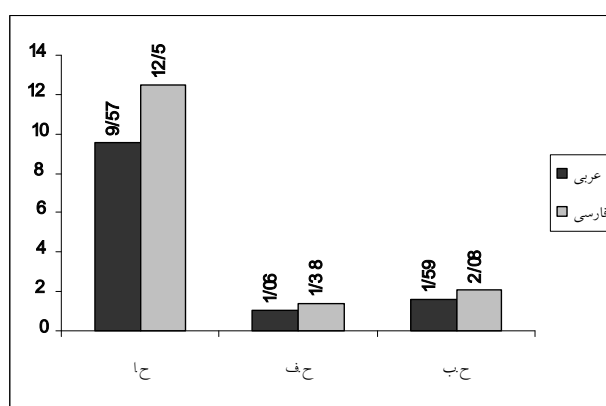
از میان گره‌های انسجام واژگانی در آیات سوره فجر و ترجمه، گره انسجامی تکرار، بیشترین استفاده را دارد و کمترین میزان استفاده مربوط به گره‌های هم‌معنایی، شمول معنایی و واژه عام در آیات و در ترجمه، گره‌های واژه عام و شمول معنایی می‌باشد.

نمودار ۸: مقایسه درصد گره پیوند در سوره فجر و ترجمه آن



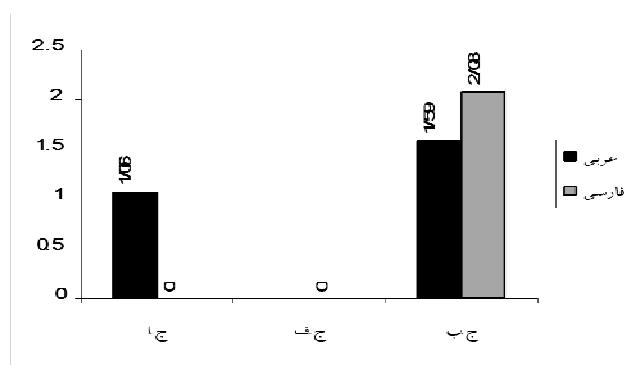
از میان گره‌های انسج‌ی پیوند در سوره فجر و ترجمه آن، گره پیوند افزایشی، بیشترین استفاده و پیوند علی و تباینی در ترجمه و پیوند تباینی در آیات، کمترین میزان استفاده را دارد. تعداد گره‌های پیوند افزایشی و زمانی در ترجمه آیات بیشتر از گره‌های معادل در آیات می‌باشد.

نمودار ۹: مقایسه درصد گره حذف در سوره فجر و ترجمه آن



از میان گره‌های حذف در آیات و ترجمه آنها، حذف اسمی، بیشترین کاربرد و حذف فعلی، کمترین استفاده را دارد. موارد حذف (اسمی، فعلی و بندی) در ترجمه آیات بیشتر از خود آیات است.

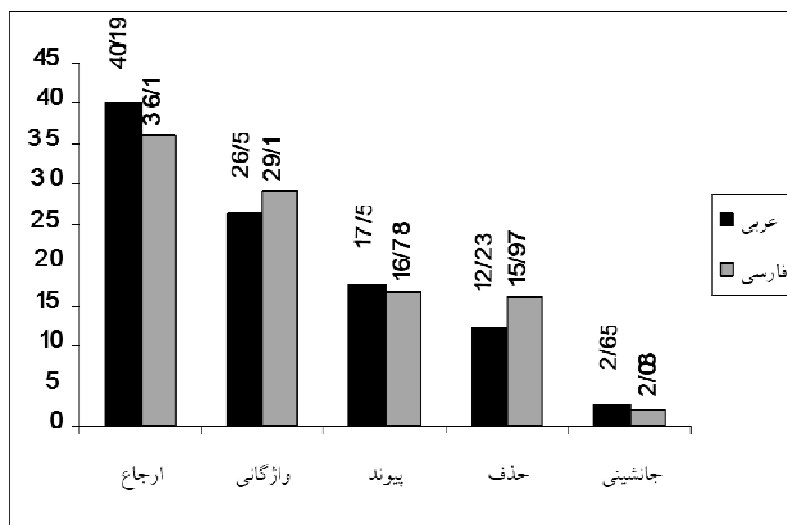
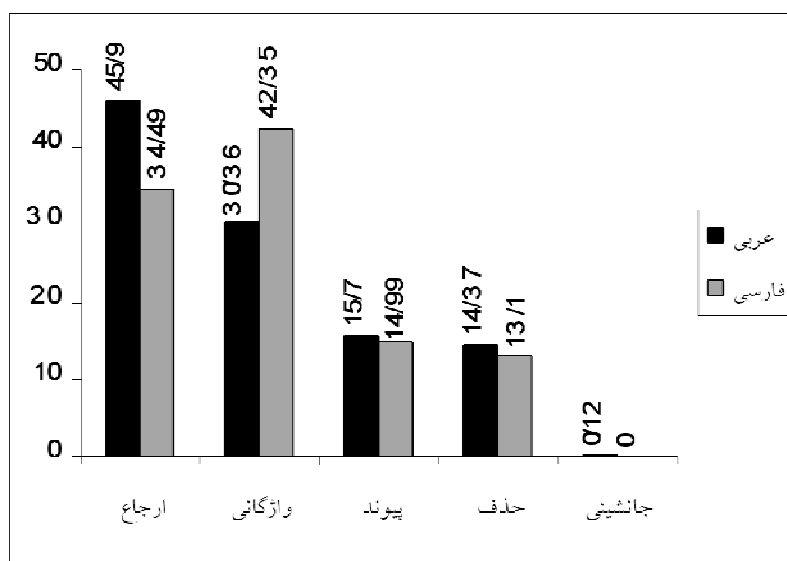
نمودار ۱۰: مقایسه درصد گره جانشینی در سوره فجر و ترجمه آن





از میان گره‌های جانشینی، جانشینی بندی در آیات سوره فجر و ترجمه آنها بیشتر صورت گرفته و جانشینی فعلی در آیات و ترجمه فارسی، همچنین جانشینی اسمی در ترجمه مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

نمودار ۱۱: مقایسه انواع گره‌های انسجامی سوره نمل و ترجمه آن



## ۵. نتیجه‌گیری

۱. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، حاکی از این است که عوامل انسجामी موجود در آیات این سوره، با عوامل انسجामी موجود در ترجمه مطابقت ندارد؛ یعنی نوع و میزان کاربرد عوامل انسجामी در آیات و ترجمه معادل آنها یکسان نیست و این، به دلیل تفاوت‌های دستوری و صرفی دو زبان عربی و فارسی، ترفندهای مختلف ترجمه برای بیان مفاهیم و از همه مهم‌تر عجز و ناتوانی انسان در مقابل کلام وحی است.

۲. گره ارجاع در متن دو سوره نمل و فجر، بیشترین کاربرد را دارد. در ترجمه سوره نمل، هرچند گره انسجام واژگانی بیشترین کاربرد را دارد، میزان استفاده از گره تکرار با گره ارجاع کمتر است. پس فرضیه دوم تحقیق با وجود اینکه قسمت اول آن در مورد آیات، صادق است به علت نادرست بودن قسمت دوم آن، رد می‌شود.

با توجه به نکات بالا درمی‌یابیم که در آیات سوره نمل و فجر، گره ارجاع بالاترین میزان کاربرد را دارد و در ترجمه سوره نمل، گره انسجام واژگانی؛ ولی در ترجمه سوره فجر، گره ارجاع بیشترین مورد را دارند. به دلایل زیر در زبان عربی، گره ارجاع کاربرد بیشتر دارد:

الف) کلمات معرفه عربی «ال» دارند و در مقایسه با حرف تعریف در زبان انگلیسی، ارجاع معرفه‌ای ایجاد می‌کند؛ در حالی که در زبان فارسی، اسامی معرفه علامت خاصی ندارند.

ب) در عربی سیستم شمار به مفرد، مثنی و جمع تقسیم می‌شود؛ در صورتی که در فارسی فقط تمایز بین مفرد و جمع وجود دارد. تمایز بین مفرد، مثنی و جمع در سیستم شمار عربی و وجود تمایز بین مفرد و جمع در فارسی باعث تفاوت در تعداد گره ارجاع می‌شود. علاوه بر این تفاوت در مقوله جنسیت و تقسیم اشیای بی‌جان به مذکر و مؤنث در عربی باعث استفاده از ضمائر متفاوت (مذکر- مؤنث) برای آنها می‌شود؛ در حالی که در فارسی جنسیت در مورد اشیای بی‌جان وجود ندارد و از آن- آنها- این و اینها استفاده

می‌شود که ارجاع اشاره‌ای ایجاد می‌نمایند.

۳. با وجود این موارد، در مواردی در فارسی گره ارجاع بیشتر استفاده می‌گردد؛ از جمله در فارسی جمله‌های اسمیه هست که در آنها فعل ربطی وجود دارد؛ ولی در عربی چنین جمله‌هایی همیشه با فعل ربطی (ناقص) همراه نیستند؛ مثلاً «اولئك هم الاخسرون»: آنها زیان‌کارترین‌اند. در این حالت در فارسی گره ارجاع شخصی به وجود می‌آید که در عربی وجود ندارد.

۴. گره انسجام واژگانی در ترجمه سوره نمل بیشتر از گره ارجاع مورد استفاده قرار گرفته است. در این سوره به علت توالی حوادث به هنگام روایت داستان‌های قرآنی یا خطاب قراردادن، از تکرار اسامی جلوگیری شده و ضمائر بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. این نکته خود دلیل دیگری بر بالابودن میزان گره ارجاع در آیات این سوره است. ولی از آنجاکه اسامی نسبت به ضمائر، صراحت بیشتری دارند، در ترجمه از اسامی استفاده شده است و به جای گره ارجاع، انسجام واژگانی ایجاد شده است. البته مواردی نیز مشاهده شد که در ترجمه فارسی به جای تکرار اسامی ضمائر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۵. انتخاب واژه‌های مختلف به هنگام ترجمه، گره‌های انسجامی واژگانی متفاوت از متن قرآن را ایجاد می‌کند؛ مثلاً به هنگام تکرار واژه‌ها در آیات، در ترجمه آنها خود واژه تکرار نمی‌شود، بلکه معانی و مترادف‌ها و لغاتی دیگر استفاده شده‌اند و طبعاً انسجام واژگانی، به‌ویژه هم‌معنایی یا هم‌آیی در ترجمه به وجود می‌آید.

۶. در مواردی خوشه‌های کلامی هماهنگ در آخر آیات قرار گرفته‌اند که ترجمه فارسی نمی‌تواند به بیان زیبایی این واژگان پردازد و انسجام موجود در عربی را حفظ کند این، نمایانگر عجز انسان در مقابل اعجاز و زیبایی کلام الله است. برای مثال آیه «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا لَمَّا» به «چنین نیست آنگاه که زمین یک نوع خاصی در هم کوبیده می‌شود» ترجمه شده است.

۷. در زبان عربی کلماتی چون الذین، التی، من و ... جزو اسامی موصول هستند و خاصیت ارجاعی دارند. در ترجمه فارسی، این کلمات به صفات اشاره و یا پیوند که تبدیل

می شوند.

۸. در عربی، اعراب و بنا به عنوان عناصر کلامی و زبانی در نحوه انتقال معانی، هم‌وزنی و هماهنگی آیات، تلفظ صحیح و روان واژه‌ها و جملات و در کل انسجام واحد متن نقش اساسی ایفا می‌کند. همچنین حروف عامل تأثیر آوایی عناصر را بر یکدیگر نشان می‌دهند و در انتقال تأثیر آوایی و به تبع آن، تأثیر معنایی عناصر، نقش اساسی ایفا می‌نمایند و بدین صورت، انسجام متن را به مخاطب منتقل و درک مفهوم را آسان می‌کنند.

۹. گره‌جانشینی در آیات دو سوره و ترجمه آنها، کمترین میزان استفاده را داراست.

۱۰. گره پیوند در آیات بیشتر از ترجمه آنها استفاده شده است و از میان گره‌های پیوند، پیوند افزایشی هم در آیات و هم در ترجمه بالاترین میزان استفاده و پیوند تباینی کمترین میزان استفاده را دارد. استفاده از پیوند افزایشی، پدیدآورنده ساختار ساده و قابل فهم برای همگان می‌باشد.

۱۱. از میان گره‌های حذف، حذف اسمی بیشترین کاربرد را در آیات و ترجمه آنها داراست و میزان استفاده از حذف اسمی در آیات در مقایسه با ترجمه آنها بیشتر است.

### منابع و مأخذ

\*. قرآن کریم (به خط عثمان طه)؛ ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای؛ تهران: مرکز چاپ و نشر قرآن کریم الهادی، ۱۳۷۹.

۱. انوری، حسن و حسن احمدی گیوی؛ دستور زبان فارسی؛ ۲؛ انتشارات فاطمی، چ یازدهم، ۱۳۷۳.

۲. رادمش، سیدمحمد؛ نحو برای دانشجوی؛ آستان قدس رضوی، مشهد، چ هفتم، ۱۳۸۶.

۳. لطفی پورساعدی، کاظم؛ اصول و روش ترجمه؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.

۴. قراگوزلو، مهدیا؛ بررسی الگوهای آوایی قرآن مجید (تجوید) و ارتباط با معناشناسی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

۵. قیطوری، عامر؛ قرآن و نظریه شناختی؛ رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.

۶. کریمی فیروزجانی، علی؛ انسجام واژگانی در قرآن مجید؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۷. محمد ابراهیمی، زینب؛ روابط انسجامی در زبان فارسی (ارجاع)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه

تهران، ۱۳۷۵.

۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ برگزیده تفسیر نمونه؛ تنظیم و تحقیق احمد علی بابایی؛ ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.

۹. —؛ برگزیده تفسیر نمونه؛ تنظیم و تحقیق احمد علی بابایی؛ ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.

10. Halliday, M.A.K; **An Introduction to Functional Grammar**; London: Edwaard Arnold , 2004.

۱۷۵

11. Halliday, M.A.K. and Hassan, R.; **Cohesion in English**; London: Longman, 1976.

12. Hoovers, Michal; **The Effects of Cohesive structure on Discourse Processes**; Vol23, issue2, London: Longman, 1997

13. Jhonstone, Barbara; **Discourse Analysis**; London: Blackwell Publishing. 2008 .

14. Richards,J. et al.; **Language Teaching and Applied Linguistics (third edition)**; London: Longman. 2002 .

15. Thompson,G.; **Introducing Functional Grammar**; London: Arnold, 1996.

دین